

**آثار مریم بیگمردی در گالری دیبا؛ دعوت به تماشای عمیق**

گروه فرهنگ و هنر - دیروز جمعه مورخ ۲۷ بهمن ماه نمایشگاه نقاشی‌های مریم بیگمردی در نگارخانه دیبا گشایش یافت. این نمایشگاه شامل ۲۲ اثر پرتره و فیگور از آثار جدید مریم بیگمردی است. این نمایشگاه تا هفتم اسفند ماه ادامه دارد و عموم علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه از ساعت ۵ بعد از ظهر الی ۹ شب از این نمایشگاه دیدن کنند. مریم بیگمردی متولد ۱۳۵۷ کرمان است؛ سال ۸۳ از دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی و سال ۸۶ از دانشگاه تربیت مدرس در مقطع کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شده است. او در حال حاضر عضو هیات علمی دانشکده هنر و معماری صبا و عضو پیوسته انجمن هنرمندان نقاش ایران است. بیگمردی در گالری‌های متعددی شرکت داشته که از جمله آنها می‌توان نمایشگاه انفرادی گالری سیحون در سال ۱۳۸۸ و گالری لاله تهران در سال ۱۳۸۶ را نام برد و به نمایشگاه‌های گروهی نظیر: چهارمین فست‌وال هنرهای تجسمی تهران در سال ۸۷ - نمایشگاه انجمن هنرمندان نقاشان ایران خانه هنرمندان تهران در سال ۸۹ - مرکز هنر بین‌المللی استانبول ۱۳۹۰ - گالری تار و پود شیراز ۹۶ اشاره کرد. در این بین نمایشگاه انفرادی نقاشی‌های مریم بیگمردی در گالری دیبا اولین نمایشگاه این بانوی هنرمند کرمانی در زادگاه خود به شمار می‌رود و از این‌رو حایز اهمیت است. آثار اخیر بیگمردی مجموعه‌ای از زن در مفهوم کلی است. دکتر منصور بهنام، پژوهشگر هنر و مدرس دانشگاه در خصوص آثار مریم بیگمردی در متنی توضیحی نوشته است:



نمایشگاه نقاشی‌های مریم بیگمردی در گالری دیبا

نقاشی به ظاهری رسیده است و بهترین حالت این است که هر دو اتفاق می‌افتد. در دوره معاصر که به دلیل رسانه‌های نو تصاویر به خصوصیتی همه‌جاگیر میل شده‌اند و خودنماها (سلفی‌ها) بخشی فرار از زندگی روزمره شهروندان دنیای مجازی را شکل می‌دهند.

دیدن نقاشی‌های پرتره شاید مغزی باشد از حسیویت زودگذر «تماشای» معاصر و در عوض دعوتی به تکرستی اصلی که هم کشف و شهود شخصی را برمی‌انگیزد و هم لذت حاصل از آن را. از این رو دیدن نقاشی‌های پرتره از دو جهت لذتبخش است: چه به دلیل مهارت نقاشانه هنرمند نقاش در به تصویر کشیدن روح نقاشی سوز و چه به دلیل درونی‌ترین احساسات چهره‌ای که نقاشی شده است.

در آثار مریم بیگمردی این هر دو به وضوح دیده می‌شود. هر چهره بعد از دقت و ممارستی سودنی از ایده تا اثر نهایی خلق شده است در آثار دوره قبلی نقاش پرتره‌ها و فیگورها در تناسب و تناقض با فضای اطراف خود معنی می‌یافتند که البته اشاره‌ای به مفاهیم اجتماعی و نقد آن نیز بود.

در مجموعه‌ی حاضر انکار نگاه هنرمند بر نمای نزدیکتری از سوزهاش تمرکز یافته است: بر پرتره‌ی آنها. در این آثار همچون بسیاری از آثار نقاشی دو مفهوم اصلی هنر به عنوان بینشی زیباشناختی و هم به معنی تکنیکی برای عینی کردن این بیش دیده می‌شود.

**در هجدهمین جشنواره تئاتر تجربه؛**

**«بدن کارفرما، ذهن کارگر» از کرمان به دانشگاه تهران رفت**



گروه فرهنگ و هنر - مجتبی ناظمی نمایشنامه‌نویس و کارگردان کرمانی با ارائه پروبوزال «بدن کارفرما، ذهن کارگر» از میان ۶۶ اثر ارسالی در کنار ۱۶ اثر دیگر به بخش «هنرهای اجرایی» جشنواره تئاتر تجربه راه یافت. گفتنی است بنا بر رای هیات بازبینی بخش هنرهای اجرایی هجدهمین جشنواره تئاتر تجربه مشکل از آقایان حسین ذوقی، علی قلی‌پور و ایثار ابومحیوب، با مجموع شصت و شش پروبوزال ارسالی ۱۷ اثر بدون اولویت به بخش هنرهای اجرایی هجدهمین جشنواره تئاتر تجربه راه یافتند. یادآور می‌شود جشنواره «تئاتر تجربه» یکی از مهمترین جشنواره‌های تئاتری در عرصه‌ی دانشگاهی ایران است. این جشنواره با سابقه‌ای طولانی، توانسته خیل عظیمی از هنرمندان را به عرصه‌ی تئاتر و سینمای حرفه‌ای ایران معرفی کند. جشنواره «تئاتر تجربه» در ابتدا و در سال ۱۳۷۴ با نام جشنواره «کوتاه و خلاق» توسط جمعی از دانشجویان کلید خورد و به مرور شکل کنونی خود را یافت.

**گفت‌وگو با حمید میرحسینی و سمیرا شیخ مظفری؛ زوج هنرمند و فیلم‌ساز**

**برای ساخت فیلم می‌جنگیم!**

**• زندگی من مدیون سینما است • سنت‌های فرهنگی را ثبت می‌کنیم**



رسانه‌ساز

در آستانه ۴۰ سالگی دیگر مستندساز شناخته شده‌ای است و تا کنون مستندهای متعددی ساخته است. اگر چه تجربه‌هایی در ساخت فیلم داستانی و حتی انیمیشن هم دارد اما بیشتر ساخته‌ها، دستاوردها و شهرتش در حوزه مستند است که البته بیشترشان موضوع محلی و بومی دارند. مستندساز بودن را خودش هم قبول دارد و می‌گوید: «زندگی خود را مدیون سینمای مستند می‌دانم». حمید مستند میرحسینی اکنون ساخت مستند «مافه» را درباره یک مراسم آیینی در شهداد به پایان رسانده و می‌خواهد مجوز پخش در شبکه خانگی را برای این فیلم بگیرد. این مستند یک ویژگی خاص دیگر هم دارد و آنهم اینکه به شکل مضامفی مستند است، چرا که تهیه‌کننده و پژوهشگر آن دکتر عباس تقی زاده است که تخصصش شهیدان شناسی است!

به هر حال به مناسبت پایان یافتن مافه با حمید میرحسینی گفت و گو کردیم و در این گفت و گو از وضعیت شخصی او به عنوان مستند ساز پرسیدیم و سراغ پروژه‌ی بزرگ روح‌الله خالقی را هم گرفتیم.

**من می‌خواهم گفت و گو را با یک سوال غیر متعارف شروع کنم و بپرسم بودجه‌ی ساخت یک فیلم مستند چند است؟**

توضیح این سوال خیلی سخت است. من نمی‌توانم پاسخ کلی بدهم چون در هر شهر، در شرایط متفاوت و به ازای هر موضوعی فرق می‌کند. اما من می‌توانم از تجربه‌ی خود صحبت کنم. این توضیح را هم بدهم که اولویت من همیشه انجام کار بوده نه حفظ استاندارد و تعرفه مالی. اما کف قیمتی که برای ساخت یک مستند لازم است، فکر می‌کنم در حدود ۲۰ الی ۳۰ میلیون تومان باشد. **شما به عنوان یک مستندساز جزو فیلم‌سازان با درآمد بالا محسوب می‌شوید یا نه؟** نمی‌دانم! اولاً زندگی ما خیلی زندگی پرخرجی نیست، پس به درآمد کم هم قانعیم. ثانیاً اگر بخواهم در مقایسه با فیلم‌سازان دیگر در نظر بگیریم به نظر خودم یک فیلم‌ساز با درآمد متوسط به حساب می‌آیم. خانه دارم، ماشین دارم، می‌توانم با پولم زندگی کنم و سفر کنم و دوباره فیلم بسازم و از این موقعیت راضی هستم.

**در واقع می‌خواهم بدانم اگر یک مستندساز در کرمان کار کند، می‌تواند یک زندگی متوسط را راه ببرد؟**

من باید اول بگویم که خیلی راه آمدم تا در جایی که الان هستم ایستادم.

من از همان ابتدا که در سن ۱۷ سالگی به انجمن سینمای کرمان پا گذاشتم، می‌خواستم فیلم بسازم و زندگی‌ام را از همین طریق راهبرم و آنقدر سماجت کردم که به جایی برسم که آرزویم محقق شود و هنوز هم همچنان در حال کارم. برایم خیلی عجیب است که بعضی فیلمسازها با ساخت یک یا دو فیلم، برای همیشه خود را فیلم‌ساز می‌دانند. من هرچه بیشتر فیلم بسازم بیشتر هم می‌توانم سفارش بگیرم. تا کنون در ۵ کشور دنیا فیلم ساخته‌ام.

در چندین جشنواره بین‌المللی داخلی و خارجی کار کرده‌ام؛ به هر شکل می‌خواهم بگویم همین درآمد متوسطی که دارم به خاطر این است که مدام کار می‌کنم و همیشه سرم شلوع است.

معتمد یک مستندساز باید به صورت مستمر کار کند.

**در این بین خیلی برام جالب است که مستند «مافه» که آخرین کار شما است، یک تهیه‌کننده شخصی دارد؛ یعنی دکتر عباس تقی‌زاده که مسلماً سرمایه‌دار نیست و همه ما ندانیم که ایشان یک شخصیت دانشگاهی و دانش‌آموخته ارتباطات است. اگر ممکن است برایمان**

**بگویید: چگونه این الفت بین شما و این تهیه‌کننده شخصی پیدا شد؟** سال ۷۹ زمانی که قرار بود مدرسه‌ای در سیرج به نام هوشنگ مرادی کرمانی و با حضور خودش نامگذاری بشود، من هم برای تصویربرداری به سیرج رفتم، آنجا با یک جوان آشنا شدم که در سیرج معلم بود و داشت با یک دوربین هندی‌کم فیلم می‌گرفت؛ با آن جوان معلم که اکنون دکتر عباس تقی زاده می‌باشد، در آن روز دوست شدم که این دوستی تا کنون ادامه داشته است. با توجه به دانش ایشان و پتانسیلی که در سیرج و شهداد وجود دارد تا کنون چند همکاری دوستانه با هم داشته‌ایم؛ ایشان درباره‌ی پتانسیل‌های سیرج و شهداد می‌نوید و من فیلم می‌سازم.

به هر صورت؛ چند سال قبل کاری داشتم به نام «هونک در شبیادی» که درباره مراسم‌های سنتی و آیینی تاسوعا و عاشورا است، همان سال آقای دکتر تقی‌زاده تماس گرفت و به من گفت که یک مراسم آیینی منحصر به فرد در شهداد وجود دارد که قابلیت ثبت دارد، من همان وقت چند جلسه با دکتر تقی زاده گذاشتم و رقصی را مشخص کردیم برای اینکه بتوانیم کار را کلید بزنیم.

دکتر تقی زاده هم بر عهده گرفت که برای برای تأمین بودجه با مسولان و سازمان‌های محلی صحبت کند.

ایشان همچنان که برای تأمین بودجه تلاش می‌کرد، اما نظرش بر این بود که معطل تأمین اعتبار نمانیم و کار را کلید بزنیم. بنابراین با همت عالی آقای دکتر شروع کردیم و در نهایت هم باید به اطلاع‌تان برسانم که سرمایه‌ی این کار با همت چند نفر شخص حقیقی علاقه‌مند به فرهنگ شهداد تصویربرداری و تدوین شد و من هم به سهم خود از بخشی از دستمزد خود گذشتم تا کار سرانجام پیدا کند.

یعنی با کمترین هزینه سعی کردیم این کار را به شکل مطلوب انجام بدهیم پس به قول شما این شخص دانشگاهی قرار نبود تهیه‌کننده باشد و تنها نقش مشاور و پژوهشگر داشت، اما وقتی

**من از همان ابتدا که در سن ۱۷ سالگی به انجمن سینمای کرمان پا گذاشتم، می‌خواستم فیلم بسازم و زندگی‌ام را از همین طریق راهبرم و آنقدر سماجت کردم که به جایی برسم که آرزویم محقق شود و هنوز هم همچنان در حال کارم. برایم خیلی عجیب است که بعضی فیلمسازها با ساخت یک یا دو فیلم، برای همیشه خود را فیلم‌ساز می‌دانند**

که کار معطل ماند خود همت کرد و پای کار آمد و الان هم که دارم با شما صحبت می‌کنم به پیشنهاد آقای دکتر که درباره شهداد پژوهش می‌کند و می‌نویسد، قرار است برای ساخت چند مستند هم در شهداد برنامه‌ریزی کنیم.

**برام جالب است که بدانم وجه پژوهشگرانه‌ی دکتر تقی زاده و چقدر در کار فیلم‌سازی شما تأثیر می‌گذارد؟** قطعاً تأثیر می‌گذارد. مقدماتاً بگویم که من در اکثر کارهایم خودم پژوهش می‌کنم چرا که برای بسیاری از حوزه‌ها پژوهشگر وجود ندارد و اگر هم وجود

**سمیرا شیخ مظفری، نقاش، عکاس و مدیر تولید سینما؛ به شیوه خودم زندگی می‌کنم • مشکلات کار را به خانه نمی‌آوریم**

سمیرا شیخ مظفری هنرمند نقاش، عکاس و به عنوان مدیر تولید، همکار همسرش، حمید میرحسینی است.

سمیرا شیخ مظفری در دانشگاه هنر کرمان نقاشی خوانده و عکاسی را هم نزد مظفر طاهری آموخته است. علاوه بر این پیشینه، درحال حاضر نیز به فیلم‌سازی در کنار همسرش مشغول است. با این مقدمه در حاشیه گفت و گو با حمید میرحسینی کنجگشا شدیم از خانم شیخ مظفری بپریم آیا از همکاری با همسرش راضی است؟ سمیرا شیخ مظفری می‌گوید: «من فکر می‌کنم کسی که با هنر درگیر است با من هم عقیده است که هنر یک مجموعه است. و هر هنرمندی چنانچه در یک رشته فعال باشد در صورتی که مهارت اجرایی یک رشته‌ی هنری دیگر را هم به دست آورد می‌تواند در آن رشته هم فعال باشد.»

این بانوی نقاش، هنر نقاشی را با سینما و عکاسی مقایسه می‌کند و ادامه می‌دهد: «به عنوان مثال در نقاشی ریتم مهم است، کادر مهم است، رنگ مهم است و موسیقی هم مهم است و این فاکتورها دقیقاً در فیلم و عکس هم مهم است.» او ادامه می‌دهد: «از سویی دیگر من به سینما از دوران دبیرستان و قبل از آشنایی با حمید علاقه‌مند بودم و در یک کار هنری با هم همکاری هستیم. طبیعی است که ممکن است با مشکلات و سختی‌هایی درگیر باشیم، اما هر دوی ما به این نتیجه رسیدیم که کار و مشکلات را پشت در خانه بگذاریم و در خانه با هم دوست باشیم.» خانم شیخ مظفری می‌گوید: «ادعای حمید را تأیید می‌کنم، من هم از زندگی مشترکمان راضی هستم.»

داشته باشد متأسفانه رقصی که برای این بخش در نظر گرفته می‌شود آنقدر ناچیز است که عملاً کار را متغیی می‌کند. بنابراین تنها کسانی که علاقه دارند و بر یک موضوعی عرق دارند، تا حدی پژوهش هم می‌کنند. اما دکتر تقی زاده از آنجا که هم اهل شهداد است و هم دانش و اطلاعات کافی دارد به عنوان یک فاکتور بسیار مهم در فرآیند ساخت کار تأثیر می‌گذارد، ما براساس اطلاعاتی و کدهایی که ایشان می‌داد، جنبه‌ی کاری و زاویه‌ی دید خود را انتخاب می‌کردیم.

خیال‌مان هم به عنوان فیلم‌ساز راحت بود که پژوهش کار مبنای علمی و مستند دارد. یک‌گراوند فکری ما لحنطهای است اما مشورت ایشان ما را در فضا قرار می‌داد.

**لطفاً درباره‌ی مافه هم اگر ممکن است توضیح بدهید؟**

مافه به معنای نخل است. مستند «مافه» در واقع روایت یک مراسم است که به هنگام عزاداری برگزار می‌شود و صورت بزرگ، آیینی و جمعی آن در روزهای تاسوعا و عاشورا شکل می‌گیرد. این مراسم در منطقه شهداد برگزار می‌شود و با موسیقی و دریاپی

آیین‌ها در حال نابودی است و تنها راه اطلاع از آنها ثبت آنها است. من شخصا به هر منطقه‌ای که می‌روم می‌بینم که نگهبانان خرده فرهنگ‌ها و مراسم‌های آیینی و حافظان سنت‌ها قریب به اتفاق بالای ۶۵ و ۷۰ سن دارند و چنانچه دیگر بین ما نباشند ما هیچ اطلاعی از سنت‌های شفاهی خود نداریم.

به همین خاطر به نظرم وظیفه‌ی اصلی من و دیگر مستندسازان ثبت آنها است.

**کمتر دیدم که فیلم‌ها تا نمایش عمومی بگذارد؛ مخصوصاً که موضوعاتی که به آن می‌پردازید بومی است و طبیعاً باید برای مخاطب کرمانی جذاب باشد، چرا کمتر فیلم‌ها را نمایش می‌دهید؟**

ببینید من خیلی علاقه‌مندم که فیلم‌هایم را نمایش بدهم اما دست من نیست. متأسفانه مکان‌هایی که می‌توانند فیلم پخش کنند، خیلی مایل نیستند مستند پخش کنند. تصورشان هم این است که فیلم مستند مخاطب ندارد و این تصور هیچگاه محک درستی هم نخورده است که ما ببینیم واقعا مردم مستند دوست دارند یا ندارند؟ به هر حال تصور آنها براین است و امکان نمایش برای ما فراهم نیست.

**چرا تلاش نمی‌کنید که این امکان را فراهم کنید؟** واقعا وقت این کار برای ما نمی‌ماند. از طرفی من که متصدی اکران فیلم نیستم من یک فیلم‌ساز هستم و قاعدتاً تمام تلاشم بر این است که یک فیلم خوب بسازم. مراحل بعدی بر عهده‌ی فعالان بخش‌های دیگر است که این وظیفه بر دوش آنها است.

به هر حال تنها امید ما این است که فیلم خوب دیده می‌شود و فعالان بخش‌های دیگر که به نظرم می‌رسد تنها راه‌حلی که به نظرم می‌رسد که فیلم «دی‌دی» از فیلم‌ها است که تهیه‌کنندگان مثل کتاب تهیه کنند و ببینند

بگذارید من یک حرف دیگری هم بزنم من معتقدم در زمانه ما ساخت هر فیلم یک معجزه است. چون واقعا هیچ کس نمی‌خواهد پولش را برای کار فرهنگی ایده و خلاقیت هنری هزینه کند.

در چنین شرایطی تأمین هزینه ساخت یک فیلم احتیاج به جنگیدن دارد و ما برای ساخت هر فیلم می‌جنگیم.

در زمانه‌ای که همه به بهره‌ی زودبازده و زیاد پول خود فکر می‌کنند من چگونه می‌توانم سرمایه‌گذار را توجیه کنم که برای ساخت یک فیلم یا هر اثر هنری دیگر که هیچ تضمینی برای برگشت سرمایه ندارد، پول هزینه کند. خلاصه اینکه همینکه فیلم می‌سازیم معجزه است، آرزوی نمایش‌های مستمر برای عموم دیگر جزو محالات است.

**اجازه می‌خواهم درباره‌ی مستند روح‌الله خالقی هم بپرسم؛ کار در چه مرحله‌ای است؟**

خدا را شکر ما همه‌ی مشکلاتی که داشت تصویر برداری آن تمام شد، ما با آدم‌های بزرگی باید مصاحبه می‌کردیم که به دلایل مختلف کپولت سن و مسافرت و مشغله امکان نظم دهی

و سرعت به آن خیلی کم بود. با این همه توانستیم با ۴۰ چهره‌ی موسیقی مصاحبه کنیم.

الان بخشی از کار ما به دلیل عدم منابع آرشیوی باقی مانده. متأسفانه آرشیو قابل انکابی وجود ندارد که بتوانیم از روح‌الله خالقی هیچ فیلمی وجود دارد یا ندارد؛ بنابراین باید به منابع و افراد مختلف مراجعه کنیم چون نمی‌خواهیم یک فیلم مصاحبه محور تدوین کنیم. ما می‌خواستیم علاوه بر ارائه‌ی اطلاعات تصویری از دوران رشد و فعالیت خالقی ارائه دهیم و جنبه‌های تکنیکی، فنی و همچنین زمینه‌های اجتماعی و هنری زمانه‌ی روح‌الله خالقی را به تصویر بکشیم. دائماً در حال تلاش هستیم که کاستی‌ها را تکمیل کنیم و فیلم را تدوین کنیم.

تا عید نوروز صبر می‌کنم و انشالله در بهار سال آینده تدوین را پایان می‌کنم؟ اگر به من اجازه بدهید می‌خواهم در این فرصت فیلم روح‌الله خالقی را به سه نفر تقدیم کنم؛ محمد علی جوشایی، سید علی میرافضلی و محمد عرفان رحیمی. محمد علی جوشایی برای اینکه تنها معاونی بود که مرا صدا زد و تشویق کرد که این فیلم را بسازم. سید علی میرافضلی به خاطر حمایت‌های بی‌دریغش در حد مقدورات و ضوابط و عرفان برای عشق و علاقه‌ی وافرش به موسیقی و دانش گسترده‌اش در این حوزه. اگر این جوان بیست و چند ساله نبود ارتباط با چهره‌هایی که از آنها مصاحبه گرفتیم ممکن نبود و اگر او نبود این مستند از پشتوانه پژوهشی محروم بود.

**اما سوال آخر، یک سوال از زندگی شخصی شما است؛ اکنون دیگر چند ساله هست که حمید میرحسینی و سمیرا شیخ مظفری به عنوان یک زوج هنری همکار شناخته می‌شوند، می‌خواهم بدانم از این وضعیت زندگی راضی هستید؟**

**«مافه» به معنای نخل است، مستند مراسم است که به هنگام عزاداری برگزار می‌شود و صورت بزرگ، آیینی و جمعی آن در روزهای تاسوعا و عاشورا شکل می‌گیرد این مراسم در منطقه شهداد برگزار می‌شود و با موسیقی و دریاپی از رنگ همراه است**

به نظرم بهتر از این ممکن نیست. بد نیست بگویم من قبل از ازدواج با شناختی که از خودم داشتم همیشه فکر می‌کردم باید با خانمی زندگی کنم که داخل گود هنر باشد، تا مرا به شرایط مرا درک کند، به خاطر همین دوست داشتم و سعی کردم که با یک خانم هنرمند ازدواج کنم.

حالا همان وضعیت مطلوب را دارم، ما از صبح که از خواب برمی‌خیزیم تا شب که می‌خوابیم بیشتر حرف‌ها و دغدغه‌هایم مربوط به فیلم و عکس و نقاشی و موسیقی از این قبیل موضوعات است. ارتباط ما همواره از همین نوع است باور کنید اوقاتی را که جز این باشد خیلی به یاد ندارم. این وضعیت به کارمان خیلی کمک کرده در هر فیلمی که می‌سازیم همه کارهای را پیش‌تولید و تولید و برنامه‌ریزی را سمیرا انجام می‌دهد و کارهای فنی را من انجام می‌دهم. تصور اینکه اگر همسر هنرمند نبود چه می‌شد برایم غیر ممکن و پر از مشکل است.

در مقابل می‌دانید که سمیرا عکاس و نقاش است و من در این حوزه‌ها به عنوان مشاور و برنامه‌ریز به او کمک می‌کنم. که کتاب عکس‌ها را درباردار و نمایشگاه نقاشی بگذارد.

خدا را شکر به هم انرژی می‌دهیم و همدیگر را تشویق می‌کنیم و امیدواریم که به دلایل مختلف کپولت سن و مسافرت و مشغله امکان نظم دهی